

## پیرامون تاتی کلاسور (kalāsur)

دکتر جهان دوست سبزیعلیپور

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

### چکیده

گوش‌های ایرانی که گاه همپای زبان فارسی و گاه بیش از زبان فارسی قدمت دارند، ذخایری هستند که با گذشت سالیان دراز می‌توان از دل آنها به فرهنگ غنی و پربرابر ایرانی دست یافت و با شناخت هرچه بیشتر این گوش‌ها می‌توان به شناخت بیشتر زبان فارسی و باروری آن کمک فراوانی نمود؛ اما گاه پراکندگی و کمبود منابع در زمینه تعداد کثیری از گوش‌های ایرانی نو باعث شده است که نتوان آن چنان‌که شایسته است درباره آنها نظر داد و به تحلیل و طبقه‌بندی آنها پرداخت و بدان خاطر باید از هرگونه مواد و پیکره زبانی به دست آمده از چنین گوش‌هایی استقبال کرد. گوش تاتی که در زمینه ارتباطش با زبان آذری و زبان‌های دیگر ایرانی، نظرات بسیاری ذکر شده، از گوش‌هایی است که گونه‌های فراوانی دارد و یکی از آنها تاتی کلاسور (kalāsur) از گوش‌های تاتی آذربایجان است. آنچه از این گوش در دست داریم، دو مقاله از آقای احمد اصغری است که در شماره‌های قبلی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز چاپ شده بود. بنابه اهمیت این گوش در حال فراموشی و نیز بنا به این دلیل که از این گوش، مواد زبانی قابل اعتماد دیگری در دست نداریم، نگارنده در این مقاله به بررسی و تحلیل آن گوش پرداخته است. آنچه در این مقاله آمده تحلیل مواد قبلی و استخراج ویژگی‌های دیگر گوش تاتی کلاسور از روی مواد زبانی ارائه شده است که در دو بخش تنظیم شده است: ۱- تحلیل و بررسی تحقیق قبلی، ۲- ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور. در بخش دوم مقاله، سعی نویسنده بر آن بوده ضمن برشمردن ویژگی‌های زبانی تاتی کلاسور، با گوش‌های تالشی و تاتی خلخال نیز به‌طور تطبیقی مقایسه شود.

**کلیدواژه‌ها:** گوش‌شناسی، گوش تاتی کلاسور، بررسی تطبیقی، تالشی، تاتی خلخال.

## ۱- مقدمه

گوش‌های ایرانی ذخایر گران‌بهایی‌اند که با گذشت سالیان دراز هنوز حامل فرهنگ غنی و پربار ایرانی هستند و در دل خود ذخایری نهان دارند که با شناخت آنها می‌توان بیشتر از آنها بهره برد. گوش‌های ایرانی نو هرکدام در قسمتی از خاک ایران رایج‌اند و این پراکندگی گاه مانع شناخت دقیق آنها شده است درحالی‌که می‌توان با شناخت این گوش‌ها به شناخت بیشتر زبان فارسی و حل پاره‌ای از ناشناخته‌های زبانی و دستوری آن کمک کرد.

گوش‌های ایرانی آذربایجان (آذری، هرزنی، تاتی و ...) دسته‌ای از گوش‌ها هستند که چنانکه شاید و باید شناخته نیستند، این درحالی‌است که بسیاری از این گوش‌ها از بین رفته، و از آن بین تاتی در مناطقی اندک رایج است، گرچه تعداد این مناطق اندک است، اما همین تعداد نیز فرصتی غنیمت را به محققین می‌دهد تا پرده از زوایای مخفی این زبان‌ها بردارند.

گوش تاتی از گوش‌هایی است که در زمینه ارتباطش با زبان آذری و زبان‌های دیگر ایرانی، مثلاً تالشی، نظرات بسیاری (رک. هنینگ، ۱۹۵۴ و یارشاطر، ۱۳۳۶ و ۱۳۷۱) ذکر شده است. این گوش گونه‌های فراوانی دارد که یکی از آنها تاتی کلاسور (kalāsūr) از گوش‌های تاتی آذربایجان است.

آنچه از تاتی کلاسور (kalāsūr) در دست داریم، دو مقاله است که یکی در شماره مسلسل ۱۹۸ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز به نام «فعل در گوش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، و دیگری در شماره مسلسل ۲۰۷ همان نشریه به نام «اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kalāsūr)» از احمد اصغری چاپ شده بود و به معرفی و توصیف مختصر آن گوش اختصاص داشت. مقاله اول در ۲۵ صفحه (از ص ۱ تا ۲۵ مجله)، به ساختمان فعل تاتی کلاسور و مقاله دوم در ۲۱ صفحه (از ص ۱ تا ۲۱ مجله)، به مباحث دستوری اسم و ضمیر در آن گوش پرداخته‌اند. در مقدمه هر دو

مقاله، اطلاعات مفیدی در ضمن مثال‌ها و شواهد فراوان دربارهٔ گویش تاتی و منطقهٔ مورد نظر داده شده است، در مقالهٔ اول نقشه‌ای از منطقهٔ مورد نظر نیز آمده است. بنا به اهمیت این گویش در حال فراموشی و نیز بنا به این دلیل که از این گویش، مواد زبانی قابل اعتماد دیگری در دست نداریم<sup>۱</sup>، باید از آقای اصغری سپاسگزار باشیم که این مواد را در اختیار محققین گذاشته است. اما از آنجا که همین مواد اندک، تحلیل کافی نشده و گاه به درستی تحلیل نشده، و ممکن است به دلیل کمی منابع در زمینهٔ آن گویش، فقط به داده‌های این مقاله استناد شود، نگارنده به تحلیل و تکمیل داده‌های زبانی آن پرداخته، و امیدوار است با داشتن مواد زبانی بیشتر بتوان هرچه کامل‌تر دربارهٔ این گویش اطلاعات کسب کرد.

نکاتی که در این مقاله آمده، در دو بخش اصلی تنظیم شده است:

- ۱- تحلیل و بررسی تحقیق‌های قبلی. اغلب موارد این بخش تکمیل و اصلاح مواردی است که به درستی و یا دقیق تحلیل نشده است،
- ۲- ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور. این بخش شامل مواردی است که در تحقیق‌های قبلی نیامده و در اینجا نیز صرفاً جهت آشنایی بیشتر با تاتی کلاسور و نیز مقایسهٔ آن با گویش‌های تالشی و تاتی خلخال، و به‌طور کلی جهت در دست داشتن مواد زبانی و تحلیل بهتر در بخش‌های واج‌شناسی، ساخت‌واژه، و واژگان آمده است.

## ۲- پیشینهٔ بحث

در زمینهٔ تاتی در مناطقی از آذربایجان نخستین بار کسروی با داشتن نمونه‌ها و مواد زبانی‌ای که برایش فرستادند (نک. کسروی، ۱۳۷۸: ۱۳۵) و یا از طریق اطلاعات مردمان بعضی از آن نواحی، به مطالبی اشاره کرد و همان مطالب امروزه گاه تکرار شده و در مواردی تکمیل شده است. هنینگ در «زبان کهن آذربایجان»، از روی شواهد نشان دادهٔ کسروی، به چند روستا در محال قرجه داغ، در شمال شرقی تبریز اشاره و ذکر کرده است که دربارهٔ زبان آنها چیزی دانسته نیست (هنینگ، ۱۳۷۴: ۳۲۵). بعدها

یارشاطر در زمینه ارتباط زبان‌های ایرانی آذربایجان چنین نوشت: «لهجه‌های ایرانی که امروز در آذربایجان باقی‌مانده (هرزنی، کرینگانی و خلخال‌ی) به خلاف آنچه مشهور شده تصور نمی‌رود که بازمانده زبان قدیم آذربایجان «آذری قدیم» باشد. این لهجه‌ها، چنان‌که از مقایسه آنها بر می‌آید، باید از مشرق آذربایجان (طوالش) پس از استقرار زبان ترکی به بعضی از نقاط آذربایجان رفته باشد (یارشاطر، ۱۳۳۶: ۳۷). یارشاطر خود در ادامه مطالعات خویش در سال ۱۳۵۴، نظرش را کمی تغییر داد و این احتمال را که این زبان‌ها از نقطه دیگری به این سامان سرایت کرده باشند، منتفی و اصالت آنها را در این منطقه مسلم دانست (یارشاطر، ۱۳۷۱: ۳۹۶). چون مواد زبانی این گویش‌ها تحلیل نشد، در این زمینه دیگر کسی با تحقیق زبان‌شناختی نظری نداده است. به هر حال همچنان درباره نحوه ارتباط این زبان‌ها و گویش‌ها بحث فراوانی وجود دارد.

### ۳- تحلیل و بررسی تحقیق‌های قبلی<sup>۲</sup>

۳-۱- در بخش مصدر<sup>۳</sup> (ص ۱۸ الف) به چهاروند ماضی‌ساز -n, -r, -d, -t اشاره شده، اما به وند ماضی‌ساز مهم -est (و نیز گونه‌های -ast و -st, -ust-) که مصادر زیادی نیز از آن در تاتی کلاسور رایج است، اشاره نشده است. برای نمونه:

مصدر	معنی	مصدر	معنی
ber-est-e	پوسیدن	gen-est-e	افتادن
zun-est-e <sup>۴</sup>	دانستن	qel-est-e	جوشیدن
der-est-e	دریدن	čāl-ast-e	چکیدن
beram-est-e	گریستن	ser-est-e	خندیدن
sen-ust-e	شناختن	hān-est-e	خواباندن
ku-st-e	کوبیدن	lānq-est-e	شلیدن

ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند -t, -d (باقی‌مانده از پسوند صفت مفعولی/ta-\*) ایرانی باستان است و ساخت‌های دیگر که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی

به نظر می‌رسند. پسوند **-d,-t** در اغلب گویش‌های ایرانی در حال کاهش و به جایش علامت ماضی‌ساز جعلی یا ثانوی **est**<sup>۴</sup> در حال افزایش است.

۲-۳ قبل از فهرست مصادر آمده است: «در مواردی که مصدر به **-te** و **-er** ختم می‌شود، قبل از آنها مصوت (vowel) و در مواردی که به **-de** و **-ne** ختم شده، قبل از آنها صامت (consonant) آمده است» (ص ۹ الف).

در هر دو نکته فوق جای تردید است، زیرا مصادری در همان فهرست آمده‌اند که مختوم به **-te** هستند، اما قبل از آنها مصوت نیامده است، مانند:

مصدر	معنی	مصدر	معنی
bāste	بستن	maste	شنیدن
žāšte	زدن	nəšte	نشستن
kešte	کشتن	šuste	شستن

نکته دوم این است که واج **-r** همانند واج **-t** جزئی از ماده نیست، بلکه در تعدادی از مصادر مختوم به **-re**، واج میانجی (hiatus) یا عنصر هموندی است و زمانی ظاهر می‌شود که ریشه مختوم به مصوت باشد، میانجی بودن این واج را از آنجا می‌توان اثبات کرد که در بن مضارع ظاهر نمی‌شود. در زیر چند مصدر همراه فعل امر آن مصدر، که از بن مضارع ساخته می‌شود، ذکر می‌گردد:

معنی	مصدر	معنی امر	امر مفرد	امر جمع
رفتن	šere [še-r-e]	برو/ بروید	be-š	be šān
گذاشتن، نهادن	nure[nu-r-e]	بگذار/ بگذارید	biš na	biš ayān
دادن	dure[du-r-e]	یک لیوان آب به من بده (ص ۱۰ ب)	mān ru livāni be-da	

مصدر *bere* (بریدن) گرچه مختوم به *-re* است، اما واج *-r* جزئی از ماده فعل است، در مقابل آن واج *-r* در مصدر *bere* (بودن، شدن) واجی میانجی است، چون در ماده ظاهر نمی‌شود.

۳-۳ مصادری که در زیر شماره ۲ مختوم به *-re* و ۳ مختوم به *-de* آمده‌اند، عده‌ای ساده نیستند، بلکه مرکب‌اند، مثل:

شکل صحیح تر آنها		شکلی که در مقاله آمده	
bō qāde	بوییدن	bōqāde	بوییدن
kāš dure	پراندن، کیش <sup>۵</sup> دادن	kāšdure	پراندن
tāreš <sup>۶</sup> dure	پیچیدن، پیچ دادن	tārešdure	پیچیدن
hur qāde	نوشیدن یا هورت کشیدن	hurqāde	نوشیدن

۴-۳ در پانوش شماره ۱۸ آمده است: «همچنین گاهی به آخر فعل امر "ka" می‌آید، مانند: (راندن [یران hayeška]) (بنوش hurka) (بیوی böka) (بیوس mā čəška). گاهی فعل امر به تنهایی امر است. (بشنو «be» از مصدر bere)» (ص ۲۴ الف). در این مورد *ka* جزء فعلی یا همکرد فعل مرکب است از مصدر محتملاً *karde* یا *kārde* که در فهرست مصادر نیامده و شکل دیگرش (*qāde* کردن) در فهرست مصادر آمده است. هر کدام از فعل‌های بالا در اصل چنین‌اند: *heyēš ka* (بران)، *hur ka* (بنوش)، *māčeš ka* (بیوس)، و آخرین فعل امر همان قسمت یعنی (*be*) به معنی «بشنو» یا از مصدر *bere* نیست، و محتملاً از مصدری دیگر است یا درست معنی نشده و یا غلط تاپی است، یعنی، «بشو» یا «باش» بوده است.

۵-۳ در ص ۱۹ مقاله الف در بند ۶-۱ آمده: «گاهی بن فعل امر متفاوت از مصدر است» و در ادامه این مثال‌ها آمده است:

bu	بیا	buyān	بیایید	umare	از مصدر
beš	برو	be šān	بروید	šere	از مصدر
biš na	بگذار	biš nayān	بگذارید	nure	از مصدر
bay	برخیز	bayān	برخیزید	vendārde	از مصدر

این درست نمی‌نماید. سه فعل امر نخست جدول از مادهٔ مضارع همان مصدر گرفته شده‌اند، وجود واج میانجی *-r-* در مصدر که در ماده مضارع ظاهر نشده، باعث این اشتباه شده است، و در مورد مصدر آخر باید گفت معلوم نیست چرا *vendārde* را مصدر این فعل ذکر کرده‌اند. این مصدر ربطی با فعل امر *bay/bayān* ندارد. مصدر این فعل<sup>۸</sup> *aešde* است که در فهرست مصادر نیز به معنی «برخاستن» آمده است.

۳-۶ در ص ۸ الف، ذیل بند ۴ مختوم به *-ne*، مصادری آمده است که در تعدادی از آنها *-n-* جزئی از مادهٔ فعل است و در تعدادی نیست، بلکه وند واداری است، مانند:

qel-est-e	جوشیدن	در برابر	qel-n-e	جوشاندن
tāres-t-e	ترسیدن	در برابر	tares-n-e	ترساندن
ber-est-e	پوسیدن	در برابر	ber-un-e	پوساندن
----	---	در برابر	lārz-un-e	لرزیدن [لرزاندن]
vašd-e	سوختن	در برابر	vašd-un-e	سوزاندن

همچنان‌که از مقایسهٔ دوستون سمت چپ و راست بالا برمی‌آید، *-un-* یا *-n-* جزئی از مادهٔ فعل و در ردیف *t, -d,* نیست، بلکه وند واداری است که خود نویسنده نیز در صفحهٔ ۱۱ به شکل‌های دیگر این وند اشاره کرده است. در مقابل این دسته، در تعدادی از آن گروه *-n-* جزئی از ماده است مثل: *čín-e* (چیدن)، *kern-e* (کشیدن).

۳-۷ در بخش ضمیر پیوسته، ذکرگونه‌ای از ضمیر سوم شخص مفرد فراموش شده است و آن *š(e)* است که ضمیر پیوسته‌ای است که در حالت اضافی، ساخت ارگتیو، و موارد دیگر به کار می‌رود. گونهٔ *š-* به مفعولی که مختوم به مصوت باشد،

می پیوندد. مثالی از حالت اضافی این ضمیر در ص ۱۶ الف آمده است: *mān dada-š* (من پدرش را کشتم). در همه جملات ساخت ارگتیو<sup>۹</sup>، سوم شخص مفرد

این ضمیر به مفعول می پیوندد و به فعل ضمیر *ču/ ča* می پیوندد:

*krum kar-eš öšdān dučča?* (ص ۱۵ ب) کدام خانه را خودش خرید<sup>۱۰</sup>؟

*hasan ali-š bāqānda vinča.* حسن علی را در باغ دید (ص ۹ ب).

*av mān-eš vinča* او مرا دید (ص ۱۴ ب).

*ki man-eš qādazāng ?* چه کسی مرا صدا کرد؟ (ص ۸ ب)

*av kar-eš vindu.* او خانه را دیده بود (ص ۹ ب).

۳-۸ در بخش ضمائر پیوسته نهادی نوشته اند: «به صورت شناسه (decinences) در پایان فعل ذکر می گردد، و با توجه به زمان افعال متفاوت هستند. البته این ضمائر پیوسته، به همراه ضمائر مفعولی جدا هم به کار می روند» (ص ۱۵ ب). این درست نمی باشد، چرا که ضمائر نهادی با ضمائر مفعولی، تفاوت دارند. ضمائر نهادی متصل یا پیوسته همان شناسه هستند که به فعل (در این گویش اغلب افعال لازم) می پیوندند و ضمائر متصل مفعولی (یا به عبارت دقیق تر غیرفاعلی) به اسم یا مفعول می پیوندند مانند: *av mān-ša vin-ča* (او مرا دید).

همچنان که در بند ۱-۷ گذشت، در تاتی کلاسور تعدادی از ضمائر مفعولی<sup>۱۱</sup> دو شکل دارند: دسته ۱- شکلی که فقط به مفعول می پیوندند، دسته ۲- شکلی که به فعل جملات دارای ساخت ارگتیو می پیوندد. این دو شکل در زیر، در کنار ضمائر نهادی ذکر شده اند و تفاوت آنها قابل رویت است:



ضمایر مفعولی		ضمایر نهادی		شخص و شمار
پیوسته به فعل متعدی	پیوسته به مفعول	پیوسته	جدا	
-m(a)	-m	-im	mān	اول شخص مفرد
-r(a)	-r	-iš	te	دوم شخص مفرد
-č(a)	-š	-a	av	سوم شخص مفرد
-mun(a)	-mun	-imun	amen	اول شخص جمع
-run(a)	-run	-ir	šemen	دوم شخص جمع
-šun(a) / čun(a)	-čun	-ind	ave	سوم شخص جمع

در مثال‌های (ص ۱۴ب) به راحتی می‌توان به تفاوت این ضمایر پی‌برد. در جدول فوق موارد متفاوت پررنگ نشان داده شده‌اند.

ave ave-šun hārd-ind. آنها آنها را خوردند (۱۷ب).

ave šaiye-šun šes-čuna. آنها پیراهن‌ها را شستند (۱۳ب).

همچنان‌که از مثال‌ها پیداست، شکل ضمیری که به مفعول می‌پیوندد با ضمیری که به فعل متعدی می‌پیوندد، متفاوت و هر دو با شکل نهادی آن که در جدول نیز نمایان است، فرق دارند.

۳-۹ در صفحه ۹ مقاله دوم ذیل مفعول صریح آمده است: «گاهی (ru) علامت مفعول به صورت (run) تلفظ می‌شود مانند pas run detra (گوسفند را دوشیدی)؟». این جمله نیز درست نمی‌نماید، چرا که run علامت مفعولی نیست، بلکه ضمیر متصل یا پیوسته است که در ساخت ارگتیو ظاهر می‌شود. همچنان‌که خودشان نیز در توضیح ارگتیو آورده‌اند: «... ضمایر پیوسته به آخر مفعول اضافه می‌گردد» (ص ۸ب). run ضمیر پیوسته دوم شخص جمع است که گاه برای ادای احترام به جای دوم شخص مفرد به کار می‌رود مانند:

šemen kar-run vin-run. شما خانه را دیده بودید (۱۰ب).

۳-۱۰ در بخش حالت (case) زیر حالت نهادی آمده، نهادی به سه گروه تقسیم می‌شود: الف- فاعلی، مانند:

*mān* avem zamiān da vinma. من او را در مزرعه دیدم.

خطی که زیر *mān* است نشان می‌دهد که فاعل است، یعنی نقش فاعلی دارد، اما چنین نیست. *mān* در این جمله حالت غیرفاعلی (مفعول صریحی، نائب فاعلی، و ... ) دارد چون جمله دارای ساخت ارگتیو است و فاعل در اصل همان *av* (او) است، و در این ساخت همچنان که خود نیز در تعریف ارگتیو آورده‌اند: «عامل برابر با فاعل واقعی (منطقی) و مفعول واقعی (منطقی) برابر با فاعل دستوری است» (ص ۸ ب). در جملات صفحات بعد اسم مورد نظر در داخل جمله مشخص نشده تا خواننده بداند درباره نقش کدام ضمیر بحث می‌شود.

۳-۱۱ در بخش نتیجه مقاله دوم، معلوم نیست، نویسنده با استناد به کدام بخش از مقاله به: «۲- ارتباط قواعد دستوری این گویش شمال غربی با قواعد دستوری گروه خانواده ایرانی شرقی» (ص ۱۸ ب) اشاره کرده‌اند. اگرچه زبان‌های گروه شرقی و غربی ایران به دلیل ایرانی بودن قواعد مشترکی با هم دارند، اما تاتی کلاسر همان ویژگی‌هایی را داراست که سایر گویش‌های شمال غربی. با وجود چند واژه مشترک با اوستایی نمی‌توان آن را با زبان شرقی مرتبط دانست.

۳-۱۲ تعدادی غلط‌های تایپی در متن وارد شده است که گاه به اصل داده‌های زبانی لطمه می‌زند و باعث می‌شود یک واژه گویشی بد خوانده شود. به عنوان مثال در زیر به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

شکل صحیح	شکل نوشته شده	صفحه و سطر
vašdune	rašdune «سوزاندن»	ص ۸ الف ذیل شماره ۴
-----	čarune «چراندن»	ص ۹ الف
biš nayān	bis nayān	ص ۱۹ الف
-----	کل جملات سه سطر آخر آشفته است	ص ۲۱ الف سطرهای آخر
ut čuna	utcuna	ص ۱۸ الف
šerania	serania	ص ۸ ب سطر آخر
-----	نصف جمله تاتی حذف شده است.	ص ۱۱ ب سطر سوم
-----	جمله تاتی ناقص به نظر می‌رسد.	ص ۱۴ ب سطر ۵
قیاساً umarania درست است.	marania	ص ۸ ب سطر سوم ماقبل آخر
av šemen čuka	ar šemen čuka ...	ص ۱۰ ب سطر ۱۰ ماقبل آخر
حرف «را» بعد از اسم می‌آید	حرف بعد از اسم می‌آید	ص ۱۱ ب سطر ۹
te ketāb eniš barde	te ketāb eniš barda	ص ۱۴ ب سطر ۶
av māneš vin ča	y māneš vin ča	ص ۱۴ ب سطر ۱۴
«تو او را دیدی»	«تو مرا دیدی»	ص ۱۴ ب سطر ۱۳
در را باز نکن	در را نبند	ص ۱۶ ب سطر ۱۴

۳-۱۳ واج q̄ (یعنی واج q که بر سرش خط تیره است)، در مقاله بسیار آمده، اما در جدول آوایی معرفی نشده است، احتمالاً همان واج q است که به دو شکل حروف چینی شده‌اند. چنان است حرف p که رویش خط تیره آمده و در چند جای مقاله مثلاً ص ۱۵ ب سطر ۱۷، و ص ۱۶ ب سطر ۳ نوشته شده است.

۳-۱۴ لاققه‌های پیشین مضارع در سوم شخص مفرد در محیط‌های آوایی، به چند شکل ava/ avu/ ave ظهور کرده، ولی در ص ۱۳ الف، فقط یکی از آنها معرفی شده است، (برای شکل‌های آن رک. صص ۱۳ و ۱۴ الف). احتمال اینکه این لاققه‌ها همان ضمائر سوم شخص مفرد ساخت ارگتیو باشند، وجود دارد.

۳-۱۵ یک مصدر دارای دو معنی در فهرست مصادر، دو بار آمده است. مثلاً bere یکبار «شدن» و یکبار «بودن» معنی شده است، در حالی که یک مصدر است با دو معنی، و verite یکبار «جنیدن» و یکبار «دویدن» معنی شده که باز مانند مورد قبل، یک مصدر با دو معنی است.

۳-۱۶ در ص ۲۰ الف، ذیل روش منفی ساختن، آمده است « برای منفی کردن فعل امر از «ma» به جای be و biš استفاده می شود». اما مثالی برای فعل امری که -ma جایگزین biš بیاید، ذکر نکرده است.

۳-۱۷ در ص ۲۱ مقاله الف زیر بند ۳ طرز منفی کردن ماضی متعدی آمده، ولی مثال‌هایی که برایش ذکر شده، مضارع معنی شده‌اند. و در همان جا آمده «... در آخر مصدر بعد از حذف «e»، «a» می‌آورند: نمی‌خورم nim hârda نمی‌خوری nir hârda و ...». باید افزود که این مصدر نیست که بعد از علامت نفی آمده است، بلکه فعل سوم شخص مفرد است که در ساخت ارگتیو با مفعول خود را هماهنگ می‌کند و چون مفعول آن جمله در اغلب موارد غذا و یا هر چیزی است که سوم شخص مفرد فرض می‌شود، در اینجا نیز ساخت ارگتیو به درستی رعایت شده و شکل سوم شخص مفرد فعل برای همه اشخاص به کار می‌رود. می‌توان این را با مثالی از تاتی خلخال<sup>۱۲</sup> مقایسه کرد:

ama qazâ bard.	ما غذا خوردیم.	man qazâ bard.	من غذا خوردم.
šəma qazâ bard.	شما غذا خوردید.	šəma qazâ bard.	تو غذا خوردی.
avân qazâ bard.	آنها غذا خوردند.	avə qazâ bard.	او غذا خورد.

در این مورد نیز bard «خورد» مصدر مرخم نیست، بلکه سوم شخص مفرد است که در ارگتیو برای شش شخص یکسان آمده است.

۳-۱۸ در تعدادی از فعل‌های پیشوندی و مرکب ارائه شده در مقاله، نوعی دوگانگی وجود دارد، بدین صورت که مثلاً معلوم نیست شکل *peqārete*<sup>۱۳</sup> (برداشتن)، درست است یا *qāretepe*، چون هر دو شکل در مقاله آمده (رک.ص ۹ الف و ۱۳ و ۱۵ ب). و در مورد فعل مرکب نیز معلوم نیست جایگاه همکرد کجاست؟ گرچه طبیعتاً مثل همه گویش‌های ایرانی شمال‌غربی و زبان فارسی، همکرد بعد از اسم و صفت و قید و ... می‌آید مثلاً فعل مرکب «دست زدن» وجود دارد، نه «زدن دست»، در این دو مقاله چندین فعل مرکب است که همکردش در آخر آمده، مانند: *hur qāde* «نوشیدن یا هورت کشیدن»، *kāš dure* «پراندن»، *qesa maka* «حرف نزن»، و در مقابل چندین فعل مرکب هم ذکر شده که همکردش در اول است، مثل:

<i>qāde kāš</i>	پرواز کردن	<i>qāde pur</i>	پر کردن
<i>bera tārn</i>	خیس شدن	<i>qāde jeru</i>	جدا کردن
<i>bera nāsāz</i>	بیمار شدن	<i>bera piruz</i>	پیروز شدن

قیاساً باید در همه این فعل‌ها، همکرد در آخر بیاید ولی چنین است. نویسنده مقاله نیز توضیحی نداده است، گرچه اغلاطی چاپی در مقاله وجود دارد، احتمال اینکه همه این موارد اشتباه چاپی (یعنی جابه‌جایی همکرد و اسم یا صفت) باشد، کم است. اگر در انتهای یکی از مقاله‌ها یک داستان یا حکایت کوچک به زبان تاتی اضافه می‌کردند، برای محققین عرصه گویش‌شناسی بسیار مفید می‌بود، گرچه دیر نشده است و می‌توان از نویسنده محترم که مواد زبانی فراوانی از تاتی در اختیار دارد، انتظار داشت به نشر آن‌ها پردازد.

#### ۴- ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور

۴-۱ از قرینه‌های متن پیداست که واج /ə/ که در گویش‌های ایرانی شمال غربی نظیر تاتی (تاتی خلخال، تاتی تاکستان)، هزرنی، تالشی، و گیلکی واجی رایج است، در تاتی کلاسور هم وجود دارد، مثلاً دو مصدر «بریدن» و «بودن» هر دو bere ذکر شده‌اند، قیاساً باید دو تلفظ داشته باشند، و مثل دیگر گویش‌های تاتی تلفظ مصدر «بریدن» bəre است، و مصدر «جنیدن» verite آمده و vərīte درست‌تر به نظر می‌آید و «افتادن» geneste آمده و gənəste صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از مقایسه مصادر آخر این مقاله با مصدرهای تاتی و تالشی، می‌توان این موضوع را بیشتر حس کرد. و شاید بتوان گفت در اغلب جاهای مقاله، که واج /ə/ مورد نظر است، به تبعیت از یارشاطر، از واج /e/ استفاده شده است.

۴-۲ ساخت مضارع اخباری در منابع قبلی معرفی نشده است و آنچه به نام مضارع اخباری معرفی شده، مانند: enim umare (می‌آیم)، eniš umare (می‌آیی)، enemun umare (می‌آییم)، (۱۳ الف)، گویا مضارع مستمر است، به دو دلیل: ۱- در شکل با فعل‌های مضارع مستمر دیگر گویش‌های مثلاً تالشی شمالی و گیلکی شباهت دارد، ۲- ساخت مضارع اخباری تاتی کلاسور بدون وند یا لاحق‌های eniš، enim، ava و ... است که در چند جای مقاله دوم، شکل صحیح آن ذکر شده است، از جمله در مثال‌های زیر که شکل صحیح بدون وند آن آمده است. شکل زیر شکل مضارع اخباری تاتی کلاسور است:

mān av kū tārest-im.	من از او می ترسم. (۱۴ ب)	۱
av mān kū tārest-a.	او از من می ترسد. (همان)	۲
ave av ku tārest-ind.	آنها از او می ترسند. (همان)	۳
te av kū tārest-iš.	تو از او می ترسی. (همان)	۴
āsbi leng čeyāna babāst-er ?	پای اسب را با چه می بندی؟ (۹ ب)	۵
zemestun ānda bare panjarun babāst-emun.	زمستان در و پنجره را می بندیم. (۱۰ ب)	۶

با توجه به مثال‌های به دست آمده به نظر می‌رسد بتوان طرز ساخت مضارع اخباری تاتی کلاسور را چنین بازسازی یا بیان کرد: ماده مضارع + شناسه ویژه مضارع = مضارع اخباری.

#### شناسه‌ها و ضمایر متصلی که به فعل مضارع می‌پیوندند، عبارت‌اند از:

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
-(i)m	-(i)š	-a	-(e)mun	----	-ind
-	-(e)r	---	---	---	---

با مثال‌های بیشتر می‌توان جدول را تکمیل کرد، اما در مواد این دو مقاله نمونه‌های مضارع اخباری برای موارد خالی جدول پیدا نشد. همچنان‌که از مثال‌های ۴ و ۵ جدول بالا («تو از او می ترسی» و «پای اسب را با چه می بندی») پیداست، این ساخت چون در دوم شخص مفرد لازم و متعدی متفاوت است، از ساخت ارگتیو برخوردار است. بنابراین در تاتی کلاسور هم مضارع اخباری و هم مضارع مستمر وجود دارد.

۳-۴ محتمل است ماضی استمراری تاتی همان ماضی مستمر باشد که با علامت‌های avu-, avuš-, avum و ... می‌آید (۱۲ الف)، و ساخت ماضی استمراری نیز بدون چنین وندی وجود داشته باشد، این فقط یک گمان است در قیاس با گویش‌های

تاتی دیگر مناطق و تالشی، که چنین وندی در ماضی استمراری ندارند ولی در عوض در ماضی مستمر وندهای خاصی دارند.

۴-۴ ماضی بعید تاتی کلاسور که از فعل کمکی «بودن» استفاده نمی‌کند و به جایش مصوتی در آخر فعل کمک می‌آید، شبیه ماضی بعید تالشی جنوبی (سیاهمزیگی) (رک. سبزیپور، ۱۳۸۸: ۱۶۱) است، که در جدول زیر با هم مقایسه شده‌اند:

تالشی جنوبی	برداشته بودم	برداشته بودی	برداشته بود	برداشته بودیم	برداشته بودید	برداشته بودند
	pigeta-m-â	pigeta-y-â	pigeta-š-â	pigeta-mun-â	pigeta-yn-â	pigeta-šun-â
تاتی کلاسور	گفته بودم	گفته بودی	گفته بود	گفته بودیم	گفته بودید	گفته بودند
	ut-mu	ut-ru	ut-ču	ut-una	ut-runu	ut-čuna

همچنان که پیداست، هر دو گویش تاتی و تالشی در ماضی بعید از فعل کمکی «بودن» استفاده نکرده‌اند.

۴-۵ در تاتی کلاسور ساختمان مصدر سه شکل دارد: ساده، پیشوندی، و مرکب. در مقاله مثال‌های مصدر ساده بسیار آمده، و هم‌کرد فعل مرکب تاتی کلاسور را مصدرهای ساده qāde «کردن»، dure «دادن»، و ... مانند: hāy qāde «راندن»، hur qāde «نوشیدن»، kāš dure «پراندن»، tāreš dure «پیچیدن»، تشکیل می‌دهند و چند پیشوند فعلی یا مصدری در تاتی به چشم می‌خورد، از جمله: pe- و u-. مانند: qāde «کردن» با پیشوند u- می‌شود: u-qāde «گشودن»؛ (رک. ص ۱۰ الف و ص ۱۶ ب، u-maka bari «در را نیند»، qārete «گرفتن» با پیشوند pe- می‌شود: pe-qārete «برداشتن» (رک. ص ۹ الف و ۱۵ ب).

۴-۶ به نظر می‌رسد ریشه در تاتی کلاسور، همانند تاتی و تالشی (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۵۱ و سبزیپور، همان، ۲۶ و ۱۲۱)، دو دسته ضعیف و قوی داشته



باشد. ریشه ضعیف مصوت -ā- دارد و ریشه قوی مصوت -u- دارد. از ریشه قوی برای واداری کردن افعال استفاده می‌شود، و از ریشه ضعیف برای افعال لازم و موارد دیگر استفاده می‌شود. در جدول زیر چند نمونه فعل از دو گویش تاتی کلاسور در کنار تالشی ذکر می‌شود.

تاتی کلاسور			
افعال واداری		افعال لازم	
turs-en-e	ترساندن	tār-est-e	ترسیدن
run-n-e	رساندن	--	--
het-urnir-ma	خواباندم	hit-im	خوابیدم

## تالشی شمالی (عنبران)

افعال واداری		افعال لازم	
tors-on-iye	ترساندن	tārise	ترسیدن
lorz-on-iye	لرزاندن	lārze	لرزیدن
u-gord-on-iye	برگرداندن	u-gārde	برگشتن

با این حال، به دلیل کمبود مواد زبانی تاتی کلاسور در این مورد، جای تامل بسیار وجود دارد.

۴-۷ بخش ضمائر و شناسه‌های تاتی کلاسور، تاتی خلخال (رک، سبزعلیپور، همان: ۴۷، ۱۰۳)، و تالشی مرکزی (ر.ک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۳۷، ۳۸ و ۶۲) شباهت بسیار و یا ارتباط بسیاری با هم دارند، در این بخش تعدادی از آنها ذکر می‌شود:

نام گویش	من	تو	او	ما	شما	ایشان
تاتی کلاسور	mān	te	av	amen	šemen	ave
تاتی خلخال	man/az	tə	a/ avə	ama	šəma	avə
تالشی مرکزی	man/az	tə	a/ av	ama	šəma	avə/ ayə

چنان که پیداست، ضمائر منفصل فاعلی تاتی کلاسور با تاتی خلخال و تالشی مرکزی بسیار شبیه و تقریباً یکی است.

ضمائر متصل غیر فاعلی:

نام گویش	-م	-ت	-ش	-مان	-تان	-شان
تاتی کلاسور	-m	-r	-č / -š	-mun	-run	-čun
تاتی خلخال	-m	-r	-š	-mân	-rân	-šân
تالشی مرکزی	-m	-r	-š	-mun	-run	-šun

شناسه افعال لازم:

نام گویش	-م	-ی	-ø	-یم	-ید	-ند
تاتی کلاسور	-m	-š	-a	-mun	-ir	-ind
تاتی خلخال	-m	-š	-e/ə/ø	-mân	-rân	-ind(ə)
تالشی مرکزی	-m	-š	-a/-i/ø	-mun	-run	-in

ضمیر مشترک و اشاره:

نام گویش	ضمیر مشترک	ضمائر اشاره		
		این	اینان	آن
تاتی کلاسور	öšdān	em	eme	a
تاتی خلخال	əštan	əm	əmə	a
تالشی مرکزی	əštan	əm	əme	a

در تاتی کلاسور «برای تمامی اشخاص «öšdān» به معنی خود و خویش به کار می‌رود» (ص ۱۷ ب) ولی در تاتی خلخال و تالشی بعد از əštan ضمائر متصل غیر فاعلی اضافه می‌شود. مانند əštan-əm «خودم»، əštan-ər «خودت» و ... .

ضمایر ملکی<sup>۱۴</sup>:

نام گویش	مال من	مال تو	مال او	مال ما	مال شما	مال آنها
تاتی کلاسور	āmān	ešde	čave	čamen	šemen	čavun
تاتی خلخال	əman	əštə	ča	čama	šəma	čəmān
تالشی مرکزی	əməñ	əštə	čayi	čama	šəma	čamun

۴-۸ افزونه -a پایانی افعال ماضی متعدی تاتی کلاسور (ص ۱۴ب) قابل مقایسه است با تالشی مرکزی (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۷۱)، و تاتی خلخال (سبزعلیپور، ۱۳۸۸: ۶۰) به عنوان نمونه:

تاتی کلاسور		تالشی مرکزی (پره‌سری)		تاتی خلخال (کجلی)	
دیدم	vin-m-a	دیدم	vind-ə-m-a	گرفته‌ام	ara-gata-m-e
دیدیدی	vin-r-a	دیدیدی	vind-ə-r-a	گرفته‌ای	ara-gata-r-e
دید	vin-č-a	دید	vind-ə-š-a	گرفته‌است	ara-gata-š-e
دیدیم	vin-mun-a	دیدیم	vind-ə-mun-a	گرفته‌ایم	ara-gata-mān-e
دیدید	vin-run-a	دیدید	vind-ə-run-a	گرفته‌اید	ara-gata-rān-e
دیدند	vin-čun-a	دیدند	vind-ə-šun-a	گرفته‌اند	ara-gata-šan-e

همچنان‌که پیداست، در تاتی خلخال (کجلی) این وند به صورت -e ظاهر می‌شود، در هر سه گویش برای همه اشخاص یکسان به کار می‌رود و شناسه هم نیست. (برای افزونه (-a/-e) فعل‌های ماضی نک. سبزعلیپور، ۱۳۸۸: ۱۰۱ و ۱۹۶).

## ۴-۹ مصدر

مصادر تاتی کلاسور شباهت بسیاری با مصدرهای تاتی خلخال و تالشی دارند. در زیر به تعدادی از مصادر تالشی مرکزی (رضایتی کیشه‌خاله، و خادمی ارده ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۷۲) و تاتی خلخال که شباهتی با مصادر تاتی کلاسور دارند، اشاره می‌شود:

تالشی مرکزی	تاتی خلخال	تاتی کلاسور	مصدر
gənəste	gənəsen	geneste	افتادن
âme	âmen	umare	آمدن
varde	vârden	vârde	آوردن
perešte	hašten	aešde	برخاستن
pegate	pegaten	peqārete	برداشتن
barde	barde	bārde	بردن
baste	basten	bāste	بستن
be	bien	bere	بودن
pate	paten	pāte	پختن
târsənəste	târsənəsen	tursene	ترساندن
tarsəste	tarsəsen	tāreste	ترسیدن
gələste	gələsen	qeleste	جوشیدن
gəlâvnəste	gəlânəsen	qelne	جوشاندن
čie	čien	čine	چیدن
xəte	xəten	hete	خوابیدن
xande	xande	hānde	خواندن
harde	harden	hārde	خوردن
due	dâen	dure	دادن
zunuste	zânəsten	zuneste	دانستن
dašte	duten	dute	دوختن

virite	vərīten	verite	دویدن
vinde	vinde	vinde	دیدن
še	šien	šere	رفتن
že	zen	žare	زدن
vašeste	vašəsen	vašde	سوختن
šušte	šesten	šesde	شستن
tərâknəste	tərakəsen	terekeste	شکافتن، ترکاندن
xərate	xəruten	herâte	فروختن
nue	nâen	nure	گذاشتن
bəraməste	bəraməsen	berameste	گریستن
vâte	vâten	ute	گفتن
langəste	langəsen	lânqeste	لنگیدن

### ۵- نتیجه

به عنوان نتیجه و خلاصه کلام می توان چنین گفت که تاتی کلاسور که در دو مقاله معرفی شده است، یکی از گویش های در حال فروپاشی است که باید سریع تر از دیگر گویش های ایرانی به ثبت و ضبط داده های آن اقدام کرد، و با یک کار علمی و زبان شناسی دقیق به همه جوانب زبانی آن پرداخت. آنچه آقای اصغری فراهم کرده اند، راهگشای بسیاری از مشکلات خواهد بود و ذکر چند تذکر و تصحیح هیچ از ارزش علمی کار ایشان نخواهد کاست، بلکه امیدواریم این تذکرات به تکمیل و بهبود کارشان کمک کند.

همچنان که در بخش دوم مقاله با شواهد بسیاری بررسی شد، تاتی کلا سور با گویش‌های شمال غربی ایران از جمله تاتی خلخال و تالشی مرکزی شباهت بسیار دارد و برای تطبیق بیشتر و بهتر با تاتی سایر مناطق از جمله تاتی اطراف قزوین (رک. یارشاطر، ۱۹۶۹)، تاتی رودبار (رک. سبزعلیپور، ۱۳۸۹) و تاتی سایر مناطق و یا با گویش‌های دیگر، نیاز به مواد زبانی بیشتری از گویش‌های ایرانی باقی مانده در آذربایجان است تا در زمینه ارتباط یا عدم ارتباط این گویش‌ها بتوان بیشتر تحقیق کرد.



## پی‌نوشت‌ها

- ۱ - تمام مواد زبانی تاتی کلاسور در این مقاله از دو مقاله جناب آقای اصغری است و در همین جا از نامبرده سپاسگزاری می‌نمایم.
- ۲ - منظور از تحقیق‌های قبلی دو مقاله چاپ شده آقای اصغری است. در تمام این مقاله هر جا به مقاله اول (فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)) اشاره شده، جهت اختصار با نام «الف»، و هر جا از مقاله دوم (اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kalāsūr)) صحبت شده، با حرف «ب» مشخص شده است، مثلاً "ص ۱۶ الف" نشانه صفحه ۱۶ مقاله اول است.
- ۳ - چنان‌که خود نویسنده نیز ذکر کرده (ص ۶ الف)، الگوی کارش بیشتر بر مبنای روش تحقیق استاد مرتضوی (رک. «فعل در زبان هرزنی»، مرتضوی، ۱۳۴۲)، و یارشاطر (A Grammar of southern Tati Dialects) است، اما بهتر آن بود در این کار از روش‌های جدید معمول در گویش‌شناسی ایرانی که در مجلات زبان‌شناسی و گویش‌شناسی نمونه‌هایی از آن آمده، پیروی می‌کردند، چون از زمان تألیف هر دو اثر بیش از چهار دهه می‌گذرد.
- ۴ - این وند از وندهای ماده ماضی‌سازی است که در گویش‌های ایرانی بسیار به چشم می‌خورد و به نوعی در ساخت مصدر جعلی به کار می‌رود (برای نمونه‌های این وند نک: سبزعلی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۰، ۱۲۶ و ۲۱۷).
- ۵ - کیش (پَر، پَر مرغ) کلمه‌ای است که برای راندن مرغان به کار می‌رود (نک. فرهنگ فارسی، معین، ذیل کیش).
- ۶ - محتملاً tāreš به معنی «پیچ و گره» از زبان ترکی وارد زبان تاتی شده و مصدر مرکب تاتی tāreš dure (پیچیدن، پیچ دادن) ساخته است.
- ۷ - از این مصدر فعل‌های مرکب زیادی در تاتی کلاسور وجود دارد: herdan qesa ma-ka بچه حرف نزن (ص ۱۳ مقاله دوم)، bari u-ma-ka در را نبند (ص ۱۶ همان) جمله اخیر باید «در را باز نکن» باشد، چون در تاتی و تالشی این جمله به همین شکل وجود دارد.
- ۸ - این مصدر در تاتی خلخال hašt-en (برخاستن) است، و در مصدر eašde (برخاستن) تاتی کلاسور h- آغازی تلفظ نمی‌شود. در تاتی خلخال نیز فعل امر مفرد این مصدر bay و ماده مضارع آن hayz است.

- ۹ - برای ساخت ارگتیو در تالشی رک. رضایتی کیشه خاله (۱۳۸۴) و برای ساخت ارگتیو در تاتی خلخال رک. رضایتی کیشه خاله، سبزعلیپور (۱۳۸۶).
- ۱۰ - این مثال (krum kar-eš öšdān dučča?) دو گونه معنا شده است. یکجا در صفحه ۹، « کدام خانه را خودش ساخت؟» و جایی در صفحه ۱۵ «کدام خانه را خودش خرید؟» معنا شده است.
- ۱۱ - می توان دو دسته ضمائر مفعولی را یک دسته پنداشت که در سوم شخص مفرد و جمع، هر کدام تکواژگونه ای نیز دارند.
- ۱۲ - نگارنده مقاله خود از گویشوران تاتی خلخال است.
- ۱۳ - در این فعل pe- پیشوند است، چون در تاتی و تالشی دیگر مناطق هم pe-gate و pe-gaten به همین معنا رایج است. رک. سبزعلیپور، ۱۳۸۸: ۴۱ و ۱۳۸.
- ۱۴ - در مقاله، این ضمائر تحت عنوان ضمائر در نقش مضاف الیهی (ص ۱۴ ب) آمده اند.



## منابع

- اصغری، احمد. (۱۳۸۵)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۴۹، شماره مسلسل ۱۹۸، بهار، ص ۱-۲۵.
- ----- (۱۳۸۷)، «اسم و فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۴۹، شماره مسلسل ۲۰۷، بهار و تابستان، ص ۱-۲۱.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۴)، ارگتیو در گویش تالش، مجله زبان‌شناسی، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۱۱۳-۱۲۶.
- ----- (۱۳۸۶)، زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)، رشت، فرهنگ ایلیا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی اردو. (۱۳۸۷)، فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی، دانشگاه گیلان، رشت.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزیلیپور. (۱۳۸۶)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب‌پژوهی، سال اول، شماره اول، ص ۸۹-۱۰۵.
- سبزیلیپور، جهان‌دوست. (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- ----- (۱۳۸۹)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت، فرهنگ ایلیا.
- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۴۲)، «فعل در زبان هرزنی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۴ ص ۶۱-۹۷.
- معین، محمد. (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۶)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال پنجم شماره ۲، ص ۱۱-۴۶.
- ----- (۱۳۷۱)، «آذری»، زبان فارسی در آذربایجان (۲ جلد)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران ص ۳۹۱-۴۰۴.
- A.Yar-Shater.(1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague Paris.
- W.B. Hening. (1954)*The Ancient Language of Azerbaijan*, TPhS, 157-177.